



ISC  
دارنده مجوز  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



## اخلاق اسلامی

علی عرب پور

لیسانس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، آموزگار آموزش و پرورش

Ali3687a@gmail.com

نرگس عرب پور

کارشناس ارشد ادبیات عرب، دبیر عربی آموزش و پرورش

Na3687a@gmail.com

### چکیده:

امام سجاد (ع) از رسول اکرم (ص) روایت کرده است که فرمود:

بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِهَا

من از طرف خدا برای مکارم و محاسن اخلاق مبعوث شده ام.

مهم ترین مساله ای که فراوان مورد توجه آئین مقدس اسلام قرار گرفته و در رسیدن به کمالات و فضایل انسانی نقش اساسی دارد اخلاق اسلامی است که راهی جز تزکیه و تهذیب نفس؛ یعنی کسب فضائل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی، وجود ندارد؛ که همه ی پیامبران الهی و ائمه ی هدی این راه را طی کرده اند و طالبان حقیقت را به این راه دعوت کرده اند. و مهار نمودن و پاکسازی نفس از پایه های سعادت انسان است. تا شستشوی قلب از آلودگی ها و نجاسات شیطانی تحقق نیابد، هیچ چیز انسان را نجات نمی دهد. و بر اساس همین جهت گیری است که اعمال آدمی ارزش می گیرد و مایه ی تکامل او می شوند و مانند گوهری ارزشمند سعادت او را به ارمغان می آورند.

**کلید واژه ها:** اخلاق اسلامی، اخلاق عملی، غریزه، فطرت، فضایل



ISC  
دارنده مجور  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



## مقدمه:

اخلاق به عنوان یکی از علوم کاربردی ارزشی جزء به کار بستن در مقام عمل ندارد و آموختن آن بدون استفاده در میدان عمل اگر زیان به بار نیاورد سودی نخواهد بخشید، لذا ملاک و معیار اصلی علم اخلاق، عمل به آن است و به اعمال و رفتاری که از این خلقیات ناشی گردد اخلاق و یا رفتار اخلاقی می گویند.

پیامبر اکرم (ص) درباره فلسفه ی بعثت خود فرمود: « من از طرف خدا برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به کمال رسانده و تمام کنم. (نوری طبرسی، ۱۳۸۳/ قمی، ۱۳۶۳)

حضرت علی (ع) نیز بر اهمیت تهذیب نفس تاکید فرموده و رعایت آن را مایه خوشبختی انسان دانسته است و می فرماید: « لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةً وَ لَا نُخْشَى نَارًا وَ لَا ثَوَابًا وَ لَا عِقَابًا لَكَانَ يَتَّبِعُنَا أَن نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَآتَاهَا مِمَّا تُدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ . بر فرض که امیدوی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشتیم با شایسته ی آن بود که ما در پی مکارم اخلاق باشیم ، زیرا خوشبختی و سعادت را از این طریق می توان به دست آورد.» ( الغیائی، ۱۳۸۰/ نوری طبرسی، ۱۳۸۳ ه ق)

لذا مهم ترین مساله ای که فراوان مورد توجه آئین مقدس اسلام قرار گرفته و در رسیدن به کمالات و فضایل انسانی نقش اساسی دارد مساله تزکیه نفس و پرورش روح است که به عنوان یک امر حیاتی و ضروری مطرح می باشد. حضرت علی (ع) جان آدمی را تشبیه به کشتزاری می کند که اگر آب زلال و روان فضایل و ادب آن را سیراب نکند سبزی و شادابی از آن رخت بر بسته و محصولی نخواهد آورد آنجا که فرمود: «/نَ بَدْوَى الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْلَمُ الرِّزْقُ إِلَى الْمَطَرِ . انسان شدیداً نیازمند به تربیت و اصلاح خویش است همان گونه که کشتزار تشنه ی آب باران است.» (محدث، ۱۳۶۶/ رسولی محلاتی، ۱۳۹۲) بدیهی است که هر کس نمی تواند به آسانی اخلاق ناپسند خویش را ترک کرده و به فضایل و سجایای پسندیده روی آورد.

انسان به همان اندازه مه از فکر داشتن خلقیات و صفات پسندیده لذت می برد از ترک صفات زشتی که در درون او ریشه زده و آثارشان در کردار و رفتارش ظاهر گردیده ناخشنود ؛ بلکه هراسان است به همین علت است که وارستگان از صفات حیوانی بسیار اندک و باز ماندگان در ورطه ی هواهای نفسانی بی شمارند. و این بدان سبب است که رهایی از خلق و خوبی که انسان به آن عادت کرده بسیار مشکل بوده و جز با تلاش پی گیر و مداوم در طول سالیان متمادی امکان پذیر نیست.

انسان راحت طلب با وجود اینکه راه سعادت را به خوبی می شناسد و در رسیدن به آن آرزو می کند ولی به آسانی تن به مشقت و مشکلات این راه نمی دهد.

مطابقت مباحث اخلاقی با فطرت انسانی سبب می شود که انسان از شنیدن آن ها لذت برده و بدون هیچ تاملی قهرمانان میدان مبارزه با نفس را تحسین کند.



لفظ کلمه «اخلاق» از خلق گرفته شده است و جمع خلق و خلق شکل درونی انسان است ، و خلق شکل ظاهری هر چیز است. غرایز و صفات باطنی در انسان اخلاق نام دارند و به رفتاری که از این خلقیات ناشی می شود رفتار اخلاقی می گویند.

در انسان خلقیات بر دو نوع است : ۱. صفات فطری ۲. صفات اکتسابی

صفات فطری ، غرایز و استعدادهایی است که در طبیعت انسان آفریده شده و اختیار و عمل در آن هیچ دخالتی ندارد، مانند حس خدا جویی ، حس حق طلبی و .... در مقابل ، صفات اکتسابی صفاتی هستند که در مقام عمل و اختیار به تدریج برای انسان حاصل می شود.

چنانچه از صفات خدادادی خوب بهره برداری نشود، صفات اکتسابی بد خواهد شد . صفات خوب را فضایل و مکارم اخلاق و صفات بد را رذایل اخلاق نامند.

به هر حال ، برای رسیدن به فضایل و رذایل و آگاهی از شخصیت و جایگاه واقعی انسان ضرورت دارد سپس مبارزه و مجاهده با نفس اماره ؛ چرا که تا مجاهده و مبارزه نباشد ، انسان بر هواهای نفسانی غالب نمی شود و کسی که از این میدان پیروز و سربلند بیرون نیاید ، به مرحله ی فضیلت و کرامت نفس نائل نمی شود و آن کسی که به مرحله سلامت نفس نرسد در روز حساب ، از تبهکاران است. (مهجوی کنی ، ۱۳۸۸) که در قرآن مجید می فرماید: « یَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ . در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشند ، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید. [ یعنی تنها دل سالم و بی آرایش سودمند است. ] (شعراء ، ۸۹و۸۸)

منظور از فضایل و رذایل اخلاقی، صفات پسندیده و صفات ناپسند ، و مقصود از فضایل و رذایل اخلاقیات ، اعمال پسندیده و اعمال ناپسند است.

بحث درباره ی فضایل و رذایل اخلاقی بر اخلاقیات مقدم است چرا که آن ها معدن و سرچشمه ی اخلاقیات هستند و خداوند متعال می فرماید:

« قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ ... » بگو هر کسی بر حسب ذات و طبیعت خود عمل می کند. ( اسراء ، ۸۴)

« تخلیه » یعنی ریشه کن کردن رذایل ، بر « تخلیه » یعنی کاشتن فضایل در قلب ، مقدم است. اما با این همه ، شرافت و برتری فضایل ، موجب تقدم آنها می شود . ( آیت الله مظاهری ، ۱۳۸۳)

یکی از فضایل مهمی که در زندگی انسان حائز اهمیت است بعد معنوی است. همان گونه که انسان از نظر جسمی باید ارضاء شود از نظر روحی هم باید ارضا شود . فرق بین حیوان و انسان همین جاست حیوان یک بعدی است یعنی فقط غرایز دارد ؛ نیازهای مادی دارد و اگر خیلی بالا برود نیازهای عاطفی دارد . اما انسان این گونه نیست انسان دو بعدی است بعد مادی و تمایلات و بعد روحی و معنویات که روحش از ملکوت سرچشمه گرفته است و به اندازه ای از نظر معنوی بالاست که پروردگار عالم او را به خود نسبت داده و با اضافه تشریفی فرموده است «روح من»

« فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ » آن گاه که خلقت او را به اتمام رساندم و از روح خودم در او دمیدم پس (ای ملائکه) او را سجده کنید. (حجر ، ۲۹)



این بعد را حیوانات ندارند ، انسان دارد و بعد مادی در حیوانات قوی تر است و ارضاءش برای آنها خیلی آسان تر است ، امتیاز انسان به روح است. انسان هم دو بعد دارد و دو غذا لازم دارد : یکی غذای جسم که اگر به او نرسد می میرد . و هم غذای روح که باز هم اگر به او نرسد می میرد. فرقی این است که اگر از نظر جسمی مرد خیلی اهمیت ندارد اما اگر از نظر روحی مرد چنین نیست . قرآن می فرماید: اگر از نظر روحی مرد پست تر از هر حیوانی است و راه جهنم را می گیرد. ( اعراف ، ۱۷۹ ) و بعد می فرماید : این از حیوان پست تر است ؛ مثل کرم ابریشم در غفلت خود می تند تا بمیرد. « *أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ* »

چیزی که روح را مریض می کند گناه است . قرآن گاهی اسم آن را « مرض » می گذارد « *فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ* » گاهی می فرماید « *زَيْغٌ* » : « *فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ* » . گاهی می فرماید « *رَانَ* » : « *بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ* » . همه یک معنی را دارد و آن این است که دیگر از عبادت لذت نمی برد بلکه از گناه لذت می برد. ( آیت الله مظاهری ، ۱۳۹۱ )

علی کل حال فضایل اخلاق ، سرمایه ی نجات و رستگاری انسان و رساننده ی او به سعادت جاوید است ، و رذایل اخلاق ، مایه بدبختی و شقاوت همیشگی اوست پس پاک ساختن نفس از رذایل و آراستن به فضایل از مهم ترین واجبات است ، و بدون آن دست یافتن به حقیقت انسان و زندگی حقیقی محال است.

پس هر انسان عاقل باید در بدست آوردن فضایل اخلاقی که اعتدال در صفات است و از جانب خداوند به ما رسیده است کوشا باشد و از رذایل که افراط و تفریط است اجتناب نماید ، زیرا کسی در این راه کوتاهی کند هلاکت ابدی گریبان گیرش خواهد شد. « *وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا* . و هر که در این جهان کور دل باشد در جهان دیگر نیز کور و گمراه تر است. (اسراء ، ۷۲)

انسان تا از صفات و اخلاق رذیله پاک نشود به صفات و اخلاق فاضله آراسته نخواهد شد و نفس ، آماده درک فیوضات و بهره های قدسی نخواهد گشت ، چنان که آینه تا زنگار از چهره اش پاک نشود استعداد پذیرش نقش ها را نخواهد داشت ، به همین گونه تا نفس انسان از صفات ناپسند و زشت چون حسد ، ریا و حب مقام ، نسبت به دیگران ، پاک و صاف نگردد عبادات و طاعات ظاهری او سودی ندارد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: « *إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ بَعَثَنِي بِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ ، وَ كَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَعْمَالِ .* همانا خداوند بلند مرتبه مرا برای تمام کردن مکارم اخلاق و بیان خوبی های اعمال مبعوث کرده است. (مهدی پور ، ۱۳۸۳)

اخلاق نکوهیده قلب انسان را کشتزار گناهان می سازد و اگر قلب خود را از آن ها پاک نگرداند عبادات ظاهری سودمند و مایه ی کمال او نخواهد شد . و مانند پرده هایی مانع رسیدن انسان به معارف الهی می شود و اگر بر طرف نشود حال روحانی و معنوی برای انسان رخ نمی دهد ، معرفت و محبت به خدا در دل های غافل راه نمی یابد ، چنان که پیامبر (ص) فرمود : « *لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنظَرُوا إِلَىٰ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ .* اگر شیاطین اطراف دل های بنی آدم را فرا نگرفته بودند آدمیان می توانستند به ملکوت آسمان ها و زمین بنگرند . » بنابراین هر قدر که دل ها از آلودگی ها پاک شود رو به حق می آورند و حقایق الهی در آن تجلی می یابد، رسول خدا (ص) فرمود: « *خدا را در دوران زندگیتان نسیم های فیض بخش است، هان که خود را در معرض آن ها قرار دهید.* »



رو کردن به اطاعت الهی یا روی گرداندن از گناه موجب صفای دل می شود. رحمت الهی بر همه گسترده می شود، و هر کس بر اساس صیقل دل خویش از آن بهره می گیرد و با انباشته شدن زنگارهای گناه، حقایق در آن تجلی نمی کند. علم حقیقی نوری است که به سبب طهارت و صفای دل آشکار می شود.

تا قلب تزکیه و پاکسازی نشود این نوع معرفت برای آن حاصل نخواهد شد، چرا که علم حقیقی عبادت دل و مایه ی قرب درون است. همان گونه که نماز که عبادت ظاهر است جز با پاک ساختن تن از نجاست ظاهری درست نیست، همین طور عبادت باطن جز بعد از تطهیر درون از نجاست باطنی که همان اخلاق زشت و صفات ناشایسته است صحیح نیست.

نیمی از ایمان پاکیزگی باطن از اخلاق زشت و ناشایسته است، و نیم دیگر ایمان آراستن باطن به صفات شریف و شایسته است.

تیرگی دل ناشی از صفات ناشایسته است، مانع نوری است و انکشاف حقایق است. پس باید در تزکیه و آراستن نفس بسیار کوشید تا درهای هدایت باز شود و راه های معرفت روشن گردد، چنان که خدای سبحان می فرماید: «وَأَلَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا . أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (عنکبوت، ۶۹)

تهذیب و ادب کردن نفس یکی از مباحث مهم اخلاق و از ارکان اساسی رسیدن به قرب الهی است. در نظام تربیتی اسلام تنها با خود سازی و تهذیب نفس، انسان می تواند از مرز حیوانیت دور شود و خود را به مقام بالا و پر ارج انسانیت برساند. رسیدن به این مقام، در پرتو از بین بردن غبار از دل بدست می آید. بیماری های نفسانی و غرق شدن در لذت، دل را از زنده شدن و عقل را از بارور شدن باز می دارد و ایمان را با مانع رو به رو می کند و قلب را از دریافت حقایق باز می دارد. این مرض ها بر زندگی انسان تاثیر می گذارد و سعادت ابدی او را به خطر می اندازد. قرآن مجید به این موضوع اهمیت خاصی داده است که بعد از بازده قسم مهم در سوره شمس یادآور می شود که سعادت و رستگاری تنها از آن کسی است که به ساختن و تزکیه ی خود پرداخته است. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس، ۹)

یکی از پایه های بنیادین سعادت انسان ها مهارت نفس و پاک کردن آن از همه ی رذائل است و تا قلب از نجاسات و آلودگی ها رهایی نیابد، هیچ چیز انسان را نجات نمی دهد. و بر این اساس است که کردار آدمی اعتبار می گیرد و مایه ی رشد و تکامل او می شود.

مقام و منزلت تطهیر نفس و تصفیه ی دل بسیار گران قدر و در عین حال پر مخاطره و دارای دقت فراوانی است.

مرحوم ملا احمد نراقی می گوید: «تهذیب اخلاق عبارت است از پاک ساختن نفس از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله». (نراقی، ۱۳۹۱)

تهذیب اخلاق علاوه بر پاکسازی از صفات زشت، ارشاد دل به اخلاق نیکو و سعادت آفرین هم لازم است. هم باید زمین دل را از هرزه ها خالی کرد و هم انواع زیبایی ها را در آن رویانید. البته باید با صبر و حوصله و دقت و حساب و اندیشه تدریجا مفاصل اخلاقی را زایل کرد و خود را به محاسن اخلاق آراسته نمود.

انسان در مقام خلیفه الهی چاره ای جز طهارت نفس ندارد؛ چون خلافت و جانشینی، اقتدا به صفات الهی در حد توان و قدر طاقت بشری است. نماینده خدا بودن بدون پاکی درون میسر نمی شود. نهانگاه انسان تا صیقلی نشود، قابل تجلیات حق نمی گردد و تا نفس چون آئینه ای زنگارش



زودوده نگردد، به سوی خداوند راهنمایی نمی کند. نفس هنگامی می تواند به معارف الهی و حقایق ربانی راه یابد که گوهرش پاک و ذاتش صاف و صفات پست بر او زنگار نشاننده باشد. ( هدایتی ، ۱۳۸۵ )

از پیامبر خدا (ص) سوال شد یا محمد ! دوست داشتنی ترین و محبوب ترین آدم ها در دل خداوند کسی است که به خانواده خود سود می رساند و خدمت می کند. خدمتگزارترین و سودرسان ترین آدم ها به اهل بیت خداوند ، همسو ، محبوب ترین آدم ها در چشم و دل خداست. (رفیع ، ۱۳۹۰)

در بحث اخلاق اسلامی هدف ما آداب و دستورهایی خاصی است که در مسیر تزکیه و تهذیب، باشد و عمل به آنها بسیار ضروری است و همین عمل به آنها است که ما را به هدف نزدیک می کند. هدف از عمل اعمال قلبی مانند: (نیت، دوستی و دشمنی ، بدبینی، حسد، کینه، تواضع و...) و اعمال بدنی است .

عملی در علم اخلاق مد نظر ماست که در خلق و خوی انسان اثر بگذارد و آنچه به عمل جنبه اخلاقی می بخشد بار ارزشی آن است ممکن است فردی دارای فضایل فراوانی باشد بی آنکه بتواند تعریف علمی از این فضایل داشته باشد ، و بر عکس، امکان دارد کسی اصطلاحات علمی را خوب بداند اما از فضیلت و نورانیت بی بهره باشد.

حضرت علی (ع) می فرمایند: « رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَعَلِمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ . چه بسا دانایی که جهل و نادانی اش او را هلاک می کند و علم و دانشش به حال او سودی ندارد». ( فیض الاسلام ، ۱۳۷۹ )

این جهل و نادانی همان کمبودهای اخلاقی و انسانی است که جهان را نابود می کند ؛ پس اخلاق محک فضیلت و رذیلت است.

اگر کسی از روی ترس از کیفر ، عدالت را رعایت کند به وظیفه ی خود عمل کرده است ، و از نظر اخلاقی کار مفید و سودمندی انجام نداده است ، زیرا انتخاب عدالت تنها در صورتی که با انگیزه ی فضیلت خواهی و گذشت همراه باشد ، ارزشمند است. امیرمومنان عبادتی را که از روی عشق و محبت انجام شود «عباده الامراء» • (عبادت آزادگان ) می نامد ، ولی عبارتی را که از روی بیم و امید به پاداش واقع شود « عباده التجار» (عبادت تاجران ) نامیده است.

فضایل اخلاقی زیر بنای فطری است . افرادی وجود دارند که تعهد و تکلیف برای آنان غیر قابل تحمل است ، می کنند کسی وجود دارد بدون تعهدات اخلاقی بتواند زندگی کند.

اگر کسانی پیدا شوند که حسب الظاهر اخلاق را منکر شوند ، ولی به شدت از آزادی و کرامت انسانی خود دفاع می کنند و از تجاوز به آن اکراه دارند. و دوست دارند که در میان مردم وجه خوبی داشته باشند و حاکمانشان عادل و همسایگانشان مهربان باشند . و این ها همه دال بر فطری بودن ارزشهای اخلاقی است.

بخش اخلاق اسلامی بررسی ارزش ها است و رفتارهای اخلاقی ، بار ارزشی دارد نیت ، نقش اساسی در اخلاق اسلامی دارد و انسان ها بر اساس نیاتشان با هم فرق می کنند.



ISC  
دارلده مجور  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



گاهی انسان مجبور می شود مثلا دروغ مصلحتی را بگوید اما اثر سوء اخلاقی آن را نمی توان نادیده گرفت، و آثار بد روحی آن قابل انکار نیست. بررسی و ریشه یابی در این جهت که انسان با این عظمت و کرامت در اثر دروغ و غیبت این قدر تنزل می یابد که قرآن از او به عنوان لاشخور (حجرات، ۱۲) یا به صورت مرده ی بی جان و متعفن در می آید (رسولی محلاتی، ۱۳۹۲) که غیبت کننده را به منزله لاشخور می داند. که دروغگو با مرده برابر است زیرا فضیلت زنده بر مرده همان اعتماد بر اوست و وقتی به سخنش اعتمادی نباشد زندگی اش باطل و بیهوده است. بی شک، در وجود همه انسان ها گزینه هایی وجود دارد که همه ی حرکت ها و هدف های انسان متاثر از آن ها است.

شناخت این غرایز، از لحاظ هدایت و کنترل، لازم و ضروری است. انسانی که در مسیر تکامل گام بر می دارد اگر ابزار کار را نشناخته باشد در مسیر صحیح قرار نمی گیرد.

علم اخلاق راهنمای بسیار خوبی برای سالکان و طالبان راه حق است. ارزشها و وسائل تحصیل، را معرفی می کند و عوامل باز دارنده را می شناساند. شناخت نفس و کنترل و هدایت غرایز و تاکید بر تزکیه نفس، نقش مهمی در اعمال و رفتار دارد و اعمال و رفتار انسان نیز در ساختار روحی او اثر می گذارد. انسان دنیا طلب، هدفی جزء خوردن و آشامیدن ندارد، همان طور که انسان خود ساخته و خدا پرست هدفی جزء خدا و خدمت به خلق خدا ندارد.

انسان ترسو در برابر دشمن فقط فرار را بر قرار ترجیح می دهد، ولی انسان شجاع و دلیر، دفاع و پایداری را فرا سوی خود قرار می دهد، و این نیست جزء به خاطر عوامل نفسانی و غرایز طبیعی انسان، تا کدام یک بر انسان چیره گردند و مهار زندگی اش را به دست گیرند.

پس باید انسان را ساخت، تا جایی که مالک همه ی جهان شوند و به جای اینکه او دور خانه کعبه بگردد، کعبه دورش بگردد. از حضرت محمد(ص) مرویست که هیچ بنده ای نیست که چهل روز عمل را به اخلاص از برای خدا به جا آورد مگر اینکه چشمه های حکمت از دل او بر زبانش جاری می گردد و فرمود که عمل را از برای خدا خالص کن تا اندک آن تو را کفایت کند. و از حضرت علی (ع) مروی است که چندان در قید بسیاری عمل مباحثید و در قید آن باشید که به درجه قبول برسد.

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی  
صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست (نراقی، ۱۳۹۱)

همان طور که در جسم انسان یک عضو بی مصرف آفریده نشده در ساختمان روح و جان او نیز همه ی غرائز نقش حیاتی دارند، اما اگر این غرائز به طور صحیح هدایت نشوند بسیار زیان بار خواهد بود. مثلا، تمایلات جنسی، میل بسیار قوی خاصه در دوران جوانی هر انسانی است که اگر انسان با نیروی عقل و ایمان نتواند خود را کنترل کند و قدرت رام کردن غرائز ویرانگر را نداشته باشد، از نظر معنوی تا جایی سقوط می کند که از حیوانات هم پست تر می شود؛ امام علی (ع) می فرماید: «خداوند فرشتگان را تنها عقل داد نه شهوت و غضب، و حیوانات را تنها شهوت و غضب داد نه عقل؛ ولی انسان را به اعطای همه ی اینها شرافت بخشید. لذا اگر شهوت و غضب او تحت فرمان عقلش قرار گیرد بالاتر از فرشتگان خواهد بود، چون با وجود نیروی مخالف به چنین مقامی رسیده است.» (نراقی، ۱۳۸۳)



ISC  
دارلده مجور  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



و حال آنکه اگر شهوت بر عقل انسان غلبه کند از حیوانات هم پست تر خواهد بود . و یکی دیگر از غرائز انسان آرزوهای طولانی است، آرزو در مسائل حیاتی در مراحل زندگی انسان نقش مهمی ایفا می کند به گونه ای که اگر انسان نسبت به آینده امیدوار نباشد چرخ زندگی از کار می افتد . در آیات و روایات آرزو لازمه ی زندگی و کار و کوشش و کمال انسان است.

پیامبر اکرم (ص) از آرزو تعبیر به رحمت فرموده است: « آرزو برای امت من رحمت است. اگر آرزو نبود هیچ مادری به فرزند خود شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی در زمین نمی نشاند». (قمی ، ۱۳۶۳) و در بعضی روایات آرزو را دشمن بشر و مایه ی شقاوت و هلاکت احسان می داند . در جایی امیر مومنان (ع) فرمودند : « الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ يَغُرُّ مَنْ رَأَهُ وَ يُخْلِفُ مَنْ رَجَاهُ . آرزو چون سراب دارای نمای فریبنده ای است که حقیقت ندارد». ( همان )

خلاصه باید گفت که ، در وجود انسان غرایز و امیال گوناگونی وجود دارد که همه برای حیات انسان ضروری است ، اما آنچه که اهمیت دارد این است که اگر این غرایز از حد خود تجاوز کنند و بر وجود و نفس انسان حاکم شوند و اختیار را از او بگیرند به بت پرستی گرفتار شده است. گمراه ترین انسان کسی است که غرایز خود را با عشق الهی پیوند نزده باشد: « ... وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ... از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند». (ص ، ۲۶)

زآنکه آن بت مار و، این بت اژدهاست

مادر بتها، بت نفس شماست

آن شرار از آب میگیرد قرار

آهن و سنگ است نفس و، بت شرار

آدمی با این دو، کی ایمن بود؟

سنگ و آهن زآب، کی ساکن شود؟

آب را، بر نارشان نبود گذار ( مولوی ، ۱۳۷۲)

سنگ و آهن در درون دارند نار

بنابراین انسان باید آرزوهای خویش را کنترل کند که برای هر چیزی حدسی مقرر شده که اگر از آن حد خارج شود از نظر اسلام ناپسند و مذموم است. تمام غرایزی که خداوند در وجود آدمی به ودیعت نهاده است ذاتا خوب است اما باید از سرکشی آن ها جلوگیری کرد و علم اخلاق به ما می آموزد که چگونه اعتدال را در غرایز خود رعایت کنیم. مثلا گزینه ی حب ذات خوب است و برای ادامه ی زندگی بسیار ضروری است و اخلاق به ما یاد می دهد که باید حد و مرز آن را رعایت کنیم وگرنه دچار خود بینی و خود خواهی می شویم و به جایی می رسیم که انتظار داریم تمام انسان ها تحت سلطه و سیطره ی ما باشند و برای ما کار کنند. ک این خوی شیاطین و گردنکشان است که باید به وسیله ریاضت و مجاهدت خداوند عالمیان آن را مهار کرد.

اخلاق اسلامی با تبیین ارزشهای واقعی و احیای آن انسان را راهنمایی می کند که چگونه می توان از این احساس در حد مطلوب بهره گرفت و غرایز را مهار کرد و از سرکشی باز داشت و به هدف نهایی سوق داد.





ISC  
دارنده مجور  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



ما معتقدیم که خداوند هیچ چیز را در عالم خلقت بدون هدف و مصلحت نیافریده است و اگر ما از فلسفه ی آفرینش چیزی اطلاع نداشته باشیم دلیل آن نیست که خداوند آن را بی جهت خلق کرده است. همان گونه که قرآن می فرماید: « أَلَدَىٰ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ ۖ خَلَقَهُ ... ۚ أَو كَسَىٰ اسْتِ كِه هِر چیزى را به بهترین شکل آفرید. ( سجده ، ۷ )

لذا ، غرائزی که در وجودش نهاده شده است هر کدام در جای خود ضروری و لازم است و باید در مسیر صحیح خود به کار روند ، چرا که اگر غرائز به طور صحیح برآورده نشوند، در شرایط و موقعیت های خاصی سرکشی می کنند و انسان را تحت فشار قرار می دهند که از نفوذ و سلطه ی عمل می کاهند و برای ارضای خود ، انسان را به هر عملی وا می دارند. و انسان توانایی همه کارها را دارد، چون خداوند متعال به او اراده و اختیار داده و راه خیر و شر را به او نشان داده است.

اخلاق با عقیده پیوند و اتصال دارد . مومن در دل خود آگاه است که از طریق فطرت خویش با حقیقت زنده و موثری در ارتباطات و همواره از آن منبع ، نیرو و نور می گیرد . از این رو می توان گفت که اخلاق ، جایی حاصلخیز تر و شکوفاتر از خمیر مومن نمی یابد و مفهوم تکلیف ، که تکیه گاه هر نظام اخلاقی است، و مسئولیت ، که ناشی از الزام اخلاقی است ، پایگاهی استوارتر از ایمان قلبی نیست. ( نراقی ، ۱۳۹۰ ) سر و کار اخلاق با ارزش هاست و با اعتقادات دینی رابطه ای استوار دارد و از سوی دیگر ، اخلاق معانی و مفاهیم خود را حفظ می کند .

اخلاق برای رسیدن به هدف خود که خیر با سعادت یا کمال انسانی است باید از بسیاری میل ها جلوگیری کند یا آنها را تحت نظارت خود درآورد و محدود سازد، تکالیفی که بر عهده ی انسان نهاده شده است با طبیعت و فطرت انسان ارتباط دارند. شناخت طبیعت و فطرت به ما نشان می دهد که حدود توانایی ما در اخلاق چیست؛ لذا در اخلاق نمی توان فطرت را نادیده گرفت . توجه اخلاق به سمت بالا است و خیر و سعادت یا کمال انسان را در نظر می گیرد و با کمک گرفتن از عقل و شرع، امیال و شهوات را تحت نظم ، اداره و تدبیر در می آورد و در حد اعتدال نگه می دارد .

انسان دو جنبه ی خاکی و مادی و دیگری جنبه روحی و انسانی و ملکوتی ، دارد که قرآن به آن اشاره دارد: « فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ . و چون آن را بپرداختم و از روح خودم در آن دمیدم ، پس برای او سجده کنید». ( حجر ، ۲۹ ) که دلالت بر وجود جنبه ی الهی و ربوبی در انسان دارد، آیه ی کریمه ی دیگری نیز حکایت از آن می کند که انسان تنها جنبه ی بدنی و مادی نیست بلکه خداوند در او خلقتی دیگر ایجاد کرده است : در آیات ۱۲-۱۴ سوره مومنون ، پس از آنکه مراحل خلقت انسان را از مایه ی گل و سپس از نطفه و بعد خون بسته و گوشت پاره و آن گاه استخوان و پوشانیدن آن با گوشت ذکر می کند ، می فرماید:

« ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ . سپس وی را خلقی دیگر پدید کردیم ، بزرگ و برکت دهنده است خدای یکتا که بهترین آفریدگار است.»

روشن است که در مرحله ی اول جنبه ی خاکی و حیوانی و در مرحله بعدی جنبه ی روحی و انسانی و ملکوتی انسان بیان شده است.

انسان بر حسب من ملکوتی خود کمالاتی دارد. و هر شخصی به وسیله ی علم و معرفت و تعلیم و تعلم به اعتقادات ، احکام و اخلاق بدست می آید. و هر فردی باید به عقاید و احکام و اخلاق علم پیدا کند. بنابراین برای دست یابی به اخلاق اسلامی و دریافت حقیقی آن ، فرد مسلمان، هم



نیازمند شناخت نظری و عقلی مفاهیم و مسائل اخلاقی است و هم ، نیازمند معرفت جنبه عملی اخلاق چنان که در قرآن مجید و احادیث اسلامی آمده است. (نراقی ، ۱۳۹۰)

### بحث و نتیجه گیری:

اخلاق اسلامی غرایز و انگیزه ها و چگونگی تعدیل و هدایت آن ها را به سوی اهداف عالی ی خلقت و رساندن انسان را به درجه والا و وصل کردن او به ذات اقدس الهی را بر عهده دارد و طبق آیه ی « وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ . جن و انس را خلق نکردم مگر اینکه مرا عبادت کنند» . (ذاریات ، ۵۶) و اخلاق می خواهد که انسان را به این درجه برساند و آنچه بیش از هر چیزی ضرورت دارد سلامت روح در پرتو سلامت عمل است و این را جز از طریق اخلاق عملی متکی به وحی نمی توان بدست آورد

فضیلت و شرافت علم اخلاق و ارزش والا و شان رفیع آن بر صاحبان بینش های نکته سنج و مالکان افهام روشن پوشیده نیست آن ها می دانند که قوام دین به اخلاق است و نظام عقلانی عالم بر آن مبتنی است و طلبش بر همه واجب است و بدین وسیله است که پیروی از رسول اکرم (ص) و خانواده ی گرامیش میسر می شود . زیرا اخلاق حسنه نجات بخش و خلق نکوهیده سمی کشنده که باعث دوری از جوار پروردگار و دخول در نظام شیاطین لعین می شود ، و ضرری که از امراض روحی بر دین وارد می شود ، بس بزرگ تر از ضرری است که امراض بدن بر جسد وارد می کنند چه این امراض ، حیات جسد را به خطر می اندازند ولی امراض روحی حیات ابدی را از انسان می گیرد. (بشر ، ۱۳۸۹)

و در پایان آنچه که از این مطالب برداشت می شود این است که :

- علم اخلاق ، هدف نهایی این علم را تهذیب نفس و خوشبختی و سعادت انسان می داند.

- رسیدن به قرب الهی برای هیچ کس امکان ندارد مگر از راه خود شناسی

- انسان ها در وجدان ناخودآگاه خود از این معرفت خود شناسی بی بهره نیستند.

- در وجود آدمی غرایز و امیال گوناگونی وجود دارد که همه ی آن ها برای زندگی اش ضروری است.

- غرایز اگر از حد خود تجاوز کنند و بر انسان حاکم شوند نوعی بت پرستی است.

- اخلاق محک فضیلت و رذیلت است .

- انسان باید آرزوهای خود را کنترل کند چرا که اسلام برای هر چیزی حدی قرار داده است.

- علم اخلاق علمی است که راه کنترل و هدایت غرایز را به ما می آموزد .

- سرکوبی غرایز خاصه غریزه جنسی ضررهای فراوانی به بار می آورد.



دارنده مجور ISC  
۹۶۱۷۰-۱۲۸۰۲



- هر چه قدرت غرایز زیاد باشد در برابر اراده و اختیار انسان ناچیز است.

- آزادی اراده به همراه بازوی علم و ایمان و اخلاق می توانند غرایز را کنترل و به سوی اهداف عالی ی خلقت هدایت کرد.

- در پایان باید گفت که علم اخلاق عبارت است از شناخت غرایز و انگیزه ها و کیفیت تعدیل و هدایت آن ها به سوی اهداف عالی ی خلقت به طور عموم و هدف های خلقت انسان به طور خاص ، و هدف بیان اهمیت اخلاق اسلامی عملی و عموم و شمول و نزدیکی آن به مقام عمل و رسیدن به مطلوب است.

و چه بیانی زیباتر و بهتر از کلام خدا و سخنان ائمه ی اطهارش که حقایق جهان را آن گونه که وجود دارد و هست می دانند و دریای وجود انسان را بهتر از خودش می شناسند و به دردها و درمانش کاملا واقف هستند و با زبان فطرت الهی با او سخن می گویند .

و قرآن کریم بر این مطلب تاکید دارد که :

«وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا... به راستی رستگار شد آن کسی که نفس خویش را از آلودگی ها پاک کرد و زینکار شد آن کسی که خود را آلوده ساخت.» (شمس، ۸-۹)

و پیشنهاد می شود که :

- گذاشتن دوره های تربیت خانواده با عنوان اخلاق اسلامی به افراد آموزش داده شود.

- آموزش عملی اخلاق اسلامی باید از قبل از تولد کودک صورت پذیرد.

- اخلاق عملی اسلام در ارگان های اداری نهادینه گردد.

- استفاده از وجود استادان و علماء اخلاق که نمونه ی عملی اخلاق اسلامی هستند در مدارس و دانشگاه ها

- کتب نوشته شده پیرامون این موضوع ارزان در سطح جامعه عرضه گردد.

- تالیف کتب اخلاقی همراه با تصاویر آموزنده برای قشر کودک و نوجوان با قیمت مناسب



ISC دارلده مجور  
۹۶۱۷۰-۱۲۸۰۲



#### منابع:

قرآن کریم

- فیض الاسلام، سید علی نقی، (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات زرین
- رفیع، جلال، (۱۳۹۰)، اخلاق پیامبر و اخلاق ما، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات
- هدایتی، محمد، (۱۳۸۵)، تهذیب اخلاق، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه دارالهدی
- مولوی، جلال الدین، (۱۳۷۲)، مثنوی معنوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر طلوع
- محدث، سید جلال الدین، (۱۳۶۶)، فهرست موضوعی غررالحکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- نراقی، ملا احمد، (۱۳۹۱)، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاویدان
- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۳)، جامع السعادت، النجف، منشورات جامعه النجف الدینیہ
- مظاهری، حسین، (۱۳۹۱)، اخلاق در خانه ۱، چاپ نوزدهم، قم، نشر اخلاق
- النوری الطبرسی، میرزا حسین، (۱۳۸۳)، مستدرک الوسائل، تهران، منشورات المكتبة الاسلامیه
- آیت الله مهدوی کنی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ بیست و چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- قمی، شیخ عباس، (۱۳۶۳)، سفینه البحار، تهران، انتشارات فراهانی
- آیت الله مظاهری، حسین، (۱۳۸۳)، کاوشی نو در اخلاق اسلامی، چاپ دوم، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر
- مهدی پور، محمود، (۱۳۸۳)، اندیشه های اخلاقی آموزش اخلاق اسلامی، تهران، انتشارات نیکتان
- نراقی، مولی مهدی، (۱۳۹۰)، ترجمه کتاب جامع السعادت (علم اخلاق اسلامی)، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت
- بشر، سید عبدالله، (۱۳۸۹)، اخلاق (ترجمه کتاب الاخلاق)، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات هجرت
- رسولی محلاتی، سید هاشم، (۱۳۹۲)، غررالحکم، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- العیثانی، سید محمد، (۱۳۸۰)، آداب النفس، تهران، انتشارات مرتضوی